[پگاه حوزه](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/3814) [بیست نهم آذر 1382، شماره 114](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/3814/3963/0)

**مبلغ دینی و مسئولیت های فرامرزی**

**در گفت وگو با حجت اسلام مدبر**

|  |
| --- |
| همانگونه که مستحضر هستید در آستانه برگزاری اولین همایش «حوزه علمیه در عرصه بین الملل » قرار داریم . در ابتدا ضمن تشکر از حضرتعالی، خواهشمند است پس از معرفی اجمالی خود، سوابق علمی و تحقیقی تان در خارج از کشور را بیان فرمایید .  بسم الله الرحمن الرحیم .  حقیر، سیف الله مدبر، متولد شهرستان میاندوآب از خطه آذربایجان غربی که در سال 1361 ه . ش وارد حوزه علمیه بناب گردیدم و پس از آن به ترتیب به حوزه های علمیه مشهد و قم مهاجرت نمودم و در حال حاضر نزدیک به 10 سال است که در درس خارج فقه به ادامه تحصیل اشتغال دارم .  علاوه بر این تحقیقاتی نیز در زمینه نسخه های خطی دینی در آسیای میانه و قفقاز داشته و دارم که این نیز در راستای تکمیل تحصیلات دینی و تبلیغ دین در خارج از کشور بوده است .  اینجانب تا به حال برای تبلیغ دین به کشورهای ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، گرجستان، نخجوان و آذربایجان سفرهای متعددی داشته ام .  به نظر حضرتعالی ضرورت های پرداختن به امر تربیت مبلغان دینی برای اعزام به خارج از کشور از سوی حوزه علمیه قم چیست؟  از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران مرکزیت تشیع و اسلام شیعی می باشد و همه شیعیان جهان نیز با این نگاه به ایران می نگرند، لازم است حوزه مقدسه علمیه قم به تغذیه فکری آن ها همت گمارد . به عنوان مثال برخی از شیعیان شهر «تمس » از «سیبری » چندین بار به دلیل آشنایی برای بنده پیغام فرستاده اند و ما را جهت امر تبلیغ دعوت نموده اند; گرچه حقیر از خوف سرما دعوت آنها را اجابت ننموده ام; اما آنچه از این دعوت نامه استنباط می شود این است که آنها ایران را مرکز تشیع می دانند .  بر این اساس حوزه علمیه قم وظیفه دارد که در این راستا قدم بردارد .  جنابعالی که بارها به عنوان مبلغ به خارج از کشور سفر کرده اید عملکرد حوزه علمیه قم را در این ارتباط چگونه ارزیابی می کنید؟  در پاسخ به این سؤال، بنده از شما می پرسم که آیا اصولا حوزه علمیه در این راستا اقدامی صورت داده است؟ و مهم تر از آن آیا اصلا حوزه از نیروهای خودش که برای تبلیغ به خارج کشور می روند اطلاعی دارد؟  بنده عرض می کنم که کسی که برای تبلیغ به خارج از کشور رفته از طرف حوزه علمیه نبوده، در حالی که نیروی حوزه علمیه بوده، متاسفانه حوزه به این مهم توجه ندارد که اصولا آیا مبلغین حوزوی خارج از کشور موفق بوده اند یا خیر؟ و در صورت عدم موفقیت آنها، موانع موجود بر سر راه آنان چیست؟  به عقیده بنده حوزه تا به حال هیچ گام مثبتی در این زمینه برنداشته است . به عنوان نمونه امثال من که یازده سال برای تبلیغ به خارج از کشور رفته ام، در برخی مواقع شهریه مان قطع می شد . این در حالی است که اگر بخشی از سختی های سفر را تعریف کنم مو بر بدن افراد سیخ می شود .  الحمد لله حوزه علمیه در حدود ده سال است که رشته تخصصی تبلیغ را، (آنهم برای داخل ایران) دایر نموده، گر چه این امر خیر و قدم مثبتی بوده، ولی دایره تشیع بسیار وسیع تر از عرصه داخلی است که حوزه علمیه خود را تاکنون به آن محدود نموده است; زیرا فقط در شوروی سابق که بنده در این قلمرو جغرافیایی بیشتر تخصص دارم، 60 میلیون مسلمان زندگی می کنند، که یکی دو نفر (یکی از آنها اخوی بنده) مبلغ حوزوی شیعه بیشتر در آن کشور وجود ندارد . در واقع به روشنی به این نتیجه می رسیم که حوزه علمیه قدم جدی در این رابطه برنداشته و در عملکرد آن کاستی های ملموس و فراوانی وجود دارد .  برای جبران کاستی ها، حوزه مقدسه علمیه قم چه اقداماتی را باید انجام دهد؟  به نظر بنده برای جبران کاستی ها باید اقدامات زیر از سوی حوزه علمیه صورت پذیرد:  1 - انتخاب و بکارگیری کارشناسان خبره به منظور شناسایی طلاب مستعد برای تبلیغ در خارج کشور .  2 - تاسیس مرکز سیاست گذاری و برنامه ریزی برای مبلغین خارج از کشور در حوزه علمیه قم .  3 - انجام نیازسنجی از کشورهای مسلمان نشین به منظور کشف نیازمندی های تبلیغی آنان با عنایت به مذاهب موجود در آن مناطق; زیرا طلبه ای که می خواهد به خارج از کشور اعزام شود باید بداند که در کدام مناطق بهایی ها، پیروان شاخه های مختلف اهل سنت، مسیحیت و یهودیت قرار دارند .  در صورتی که طلابی را می شناسید که با بکار بستن شیوه های بدیع در امر تبلیغ در خارج از کشور موفق بوده اند، معرفی فرمائید .  یکی از افراد برادر اینجانب، حاج شیخ علی مدبر که بیش از 12 سال است برای تبلیغ و تدریس از ایران به کشورهای آسیای میانه مهاجرت نموده، از زمان «گورباچف » در آنجا حضور داشته، دوره «یلتسین » را پشت سر نهاده، و «شواردنادزه » را نیز درک کرده است .  الآن حدود 2 سال است که از پیکره اعزام جدا گردیده، زیرا به او گفته اند باید به ایران مراجعت کنی، اما ایشان گفته عمر بنده در این راه صرف شده تا در این زمینه متخصص شده ام، و اگر به ایران برگردم عمرم ضایع خواهد شد . بر این اساس تصمیم گرفت که به تنهایی در کشور گرجستان دانشگاهی راه اندازی و تحت پوشش این دانشگاه به تبلیغ دین بپردازد . زیرا در آسیای میانه و برخی مناطق دیگر جهان همانند مالزی و اندونزی برای راه اندازی مؤسسات آموزشی تا حدودی دولت با متقاضیان همکاری می نماید و اخوی اینجانب با دست خالی موفق شد از ریاست جمهور وقت گرجستان آقای «ادوارد شوارد نادزه » موافقت تاسیس این دانشگاه را کسب نماید .  در حال حاضر در دانشگاه مذکور 7 رشته علمی وجود دارد . جالب این است که یکی از رشته های این دانشگاه، رشته معارف می باشد که در تاریخ این کشور، از زمان پیامبر (ص) تا کنون حتی در زمان حاکمیت ایران بر آنجا چنین رشته ای سابقه نداشته است .  شیخ علی مدبر تا به حال توانسته دو دانشکده را به صورت آزاد اداره کند و از چندین کشور همسایه دانشجو بپذیرد . آنچه به نظر بنده موفقیت ایشان را در تبلیغ دین در عرصه گرجستان در پی داشته، بهره گیری از شیوه نو و راه اندازی دانشگاه و تدریس علوم دینی و معارف در آن می باشد . در واقع ایشان هم درس معارف می گوید و هم مدرک لیسانس آنهم با مهر تایید «شواردنادزه » اعطا می کند و فارغ التحصیلان این دانشگاه هر کدام یک مبلغ دینی می شوند، زیرا با مدرک تحصیلی این دانشگاه استخدام می شوند، برخی معلم و برخی در جاهای دیگر مشغول به کار می شوند و از این طریق معارف دین منتشر می شود .  یکی دیگر از مبلغین موفق آقای اسعدی هستند که به افریقا و ساحل عاج و کنگو رفت و آمد دارند و به زبان آن مناطق، آداب و رسوم آنجا مسلط است . کاری هم به اعزام ندارد . هر وقت خواست می رود و می آید . زیرا کسی که با مردم زندگی کرد و بین مردم معروف شد، در قید و بند زمان و مکان نمی گنجد و حتی از اینجا، آنجا را هدایت می کند .  به نظر حضرتعالی ویژگی های یک مبلغ موفق خارج از کشور چیست؟  در پاسخ به این سؤال باید عرض کنم که این پرسش بسیار به جا و مهم می باشد و در صورت یافتن پاسخ صحیح آن بخش قابل توجهی از کاستی های امر تبلیغ در خارج از کشور مرتفع می گردد . به نظر اینجانب ویژگی های یک مبلغ در خارج از کشور بشرح زیر است:  1 - ذکاوت; ما دینداران متعهد، نماز شب خوان، اما غیر زیرک داریم که مناسب کار تبلیغ خارج از کشور نیست; در واقع یک مبلغ اعزامی به خارج از کشور باید از قدرت تصمیم گیری بالایی برخوردار باشد که از هوش و ذهن خلاق آنها سرچشمه می گیرد . به تعبیر دیگر در هنگام مواجهه با مشکلات متعدد، نباید بگوید که این امر را به من ابلاغ نکرده اند; بلکه در چنین مواقعی باید تشخیص دهد که چگونه برخورد کند تا مسیر مشکل را تغییر دهد . به عنوان مثال، اگر پلیس آن کشور به او گفت که تدریس قرآن در اینجا ممنوع است نباید آن مبلغ خود را ببازد و بگوید برگردم به ایران; یعنی باید خود قدرت تصمیم گیری داشته، راهکار دیگری را برای تبلیغ انتخاب کند . اگر تدریس قرآن ممنوع شد، احکام را تدریس کند .  2 - شجاعت، دومین ویژگی یک مبلغ خارج از کشور است; زیرا اگر مبلغ خلافیت داشته باشد، اما شجاعت نداشته باشد در مواجهه با سختی ها و شداید دچار اضطراب و خودباختگی می شود . به عنوان نمونه خاطره ای را در این ارتباط نقل می کنم .  یک روز در قزاقستان در سالن غذاخوری، پلیس گذرنامه ما را مطالبه کرد; بنده گفتم، پاسپورت در منزل است . در این هنگام پلیس به حرف ما اعتنایی نکرده و ما را به همراه خود به مرکز پلیس برد . یکی از مبلغانی که در اینجا با ما بود اتفاقا فرد بسیار خلاقی نیز بود، چون شجاعت نداشت رنگش پرید، تا حدی که من فکر کردم بیچاره مرد . چنین افرادی نمی توانند حرف خود را در مواقع بحرانی بزنند و اگر آنها را به زندان انداختند، نمی توانند از خود دفاع کنند .  3 - تدین، دیگر ویژگی مبلغ دینی خارج از کشور است . زیرا در صورتی که دین در ضمیرش نفوذ نکرده باشد، نه تنها منشا اثر نمی شود بلکه خود به عنصری ضد تبلیغی تبدیل می گردد .  در ایران بخاطر این که مبلغین علوم دینی لباس مقدس روحانیت را به تن دارند، خود این لباس نوعی محدودیت برای آنها ایجاد می کند . گرچه این حکم کلی نیست، اما برخی افراد از ترس دادگاه ویژه، حفظ آبرو و یا حفظ شؤونات روحانیت، ملاحظاتی را در حرکات، سکنات، رفتار و اعمال خود لحاظ می کنند، اما در خارج از کشور چون عموما مبلغین به ناچار با لباس غیر روحانی به تبلیغ دین می پردازند، تنها فیلتر کنترلی آنها ایمان است . اگر عنصر ایمان در وجود طلبه ریشه دوانیده باشد، بسیار مؤثر واقع خواهد شد .  4 - جوان بودن، اگر مبلغ جوان نباشد از عهده مشکلات احتمالی تبلیغ نظیر در راه ماندن، در سرما و برف گرفتار آمدن برنمی آید . در این ارتباط خاطره ای را تقدیم حضور شما عزیزان می نمایم . در منطقه سیبری که شب و روز برف می بارد، در یک شب از سوی یکی از شیعیان به مهمانی دعوت شده بودم . بر طبق رسم آنجا هیچگونه تعارفی در مراودات و تعاملات اجتماعی وجود ندارد . بعد از صرف شام، هنگامی که قصد بازگشت به محل سکونت خود را داشتم (که حدود یک کیلومتری آنجا بود) میزبان به من توصیه کرد شب را در منزل آنها بمانم، ولی در حالی که بیرون از خانه بیش از یک متر برف باریده بود، من گفتم که باید بروم . از خانه خارج شدم، وسیله ای برای رسیدن به خانه پیدا نکردم و مجبور شدم پیاده مسیر را طی کنم . در بین راه تا سینه در برف فرو می رفتم به طوری که نزدیک بود خفه شوم! در اینجا نتیجه می گیریم که جوان بودن و سلامت جسمی برای یک مبلغ نیاز است تا بتواند در مقابل خطرات و مشکلات عدیده مقابله نماید .  5 - نویسندگی: اگر مبلغ دینی قدرت نوشتن نداشته باشد و صرفا براساس بیان و امور شفاهی به تبلیغ پردازد، در صورتی که شرایطی در خارج از کشور بروز نماید که از طریق بیان و خطابه نتوان پیام دین را به تشنگان معارف رساند در عمل اصل مقوله تبلیغ منتفی خواهد شد . به عنوان مثال، در روز واقعه 11 سپتامبر در یک سفر تبلیغی که در شهر تفلیس بودم تمام روزنامه ها و مجلات در سطح وسیع اسلام را دین تروریستی و مسلمانان را تروریست معرفی می کردند، آنها با درج مقالات و تحلیل های مختلف با استناد به برخی از آموزه های دینی اسلام، همانند آیین جهاد درصدد تروریستی جلوه دادن اسلام برآمدند . آنها می نوشتند که بر طبق آیین جهاد مسلمانان، کشتن غیر مسلمانان تا جایی که جان مسلمانان به خطر نیافتد بر آنها (مسلمانان) واجب است .  خب تصور کنید در چنین مواقعی اگر مبلغ دینی ما اهل قلم باشد با نوشتن پاسخ آن شبهات در عمل نه تنها حرکت ضد دینی را خنثی می کند، بلکه در صورت نگارش مستند پاسخ ها یک اقدام تبلیغی غیر مستقیم را جامه عمل می پوشاند .  اتفاقا این حقیر نیز از فرصت استفاده کرده و با نوشتن پاسخ های علمی، شبهه زدایی نمودم .  6 - آشنایی و تسلط بر زبان: مبلغ دینی در خارج از کشور باید به نحو مطلوب، روان و کلاسیک به زبان مردم محل ماموریت آشنا باشد، منظور از کلاسیک در اینجا گویش غیر کوچه بازاری و غیر داش مشتی می باشد . به عنوان مثال یکبار در عشق آباد در یک جلسه ای که سفرای کشورهای مختلف به مناسبت 22 بهمن به سفارت ایران دعوت شده بودند، برخی از افراد خودی در این جلسه به زبان روسی و یا ترکمنی صحبت می کردند، آنها می خواستند بگویند که ما هم زبان روسی را یاد گرفته ایم ولی متاسفانه همه برای آنها می خندیدند؟ چرا؟ چون آنها در حد یک بچه و کوچه بازاری صحبت می کردند که این اثر منفی و بدی بر جای گذاشت . به این ترتیب نتیجه می گیریم که یک مبلغ باید زبان تخصصی کشور محل ماموریت را خوب بداند تا بتواند از این طریق پیام دین را در حد بسیار عالی به مخاطبین برساند .  7 - قناعت: یکی دیگر از ویژگی های مبلغین اعزامی نداشتن روحیه طمع ورزی و مقدم داشتن رسالت و هدف مقدس تبلیغی بر اهداف و منافع مادی می باشد; زیرا بسیار اتفاق افتاده که مبلغ اعزامی به خارج از کشور در سفارتخانه از سوی دیپلمات های خودی تحقیر می شوند . به عنوان مثال در حالی که مبلغ ما ماهیانه در حدود 100 یا 200 دلار حقوق دریافت می کند همان دیپلمات در یکماه چهار هزار دلار حقوق می گیرد . بسیار طبیعی است که اگر مبلغ دینی فرد خود ساخته و قانعی نباشد، در یک مقایسه تطبیقی زمینه های انحراف از هدف و رسالت تبلیغی در او فراهم می گردد .  علاوه بر این با نهایت تاسف باید عرض کنم که در برخی سفارتخانه های ایران در خارج از کشور نیز همانند داخل کشور، رگه هایی از باند و خط بازی، وجود دارد .  در برخی مواقع کارمندان سفارت به مبلغ می گویند که در فلان جا تبلیغ کن و در فلان جا تبلیغ نکن، در حالی که طلبه باید بداند که برای تبلیغ در میان همگان به آنجا عزیمت نموده است و باید با این مسجد، آن مسجد، مساجد دیگر بلکه کلیه مساجد مرتبط باشد . این رسالت و وظیفه اصلی مبلغ است . اما متاسفانه سفارت در برخی مواقع به او می گوید که اینها با ما در اصطکاکند و نباید برای تبلیغ به میان آنها بروید . و اگر هم مبلغ بر خلاف میل سفارت عمل نماید، آنها (کارمندان سفارت) او را کمک و یاری نمی رسانند .  خب تصور کنید اگر مبلغ به سخنان آنها گوش دهد، وظیفه اش را انجام نداده، در حالی که او برای تبلیغ به آنجا رفته است . متاسفانه در برخی از این مواقع سفارت به مبلغ پیشنهاد می دهند که در صورت انجام این کار و انجام ندادن آن کار، فلان مبلغ کمک بلا عوض به شما پرداخت می گردد .  اگر مبلغ خودساخته نباشد و طمع کار باشد به اصل رسالت تبلیغی خود عمل ننموده است . در برخی اوقات نیز اتفاق افتاده که مبلغی برای تبلیغ به خارج از کشور رفته، اما متاسفانه بجای تبلیغ به کار تجارت پرداخته و یا به انحاء مختلف نظیر پول های دعا و ... از مردمی که به نان شبشان هم محتاجند، وجه دریافت می کنند . این چنین طمع ورزی هایی به اصل دین ضربه می زند . اگر طلبه طمع کار باشد، مردم می گویند: این نیز با فلان تاجر حشر و نشر دارد ... اصلا او به دنبال تاجرها راه افتاده تا آنها بیشتر او را تحویل گرفته و به او خوب رسیدگی نمایند . این عمل فرد به اصطلاح مبلغ نه تنها اقدام تبلیغی به نفع دین نیست بلکه خود به صورت عینی یک اقدام ضد دینی نیز محسوب می شود .  8 - آراستگی ظاهر: در کشورهای خارجی، حداقل کشورهای آسیای میانه که اینجانب در دفعات متعدد به آنجا سفر کرده ام، بسیار به زیبایی پوشش و شکل و نوع لباس اهمیت می دهند . حال تصور کنید یک مبلغی با ظاهری در هم ریخته به آن مناطق وارد شود; به طور طبیعی کلام این فرد مؤثر نمی افتد . شیک پوشی و حفظ ظاهر، نوع ریش و نوع لباس به عنوان یکی از عوامل غیر مستقیم تاثیرگذار بر میزان نفوذ اجتماعی مبلغ در میان مخاطبین می باشد .  9 - آشنایی اجمالی با علوم متداول: یک مبلغ در عرصه بین الملل الزاما باید در حد متعارف (نه تخصصی) با کلیات علوم مختلف آشنایی داشته باشد; زیرا در صورتی که از موارد کلی و معمولی رشته های مختلف علمی بی اطلاع باشد، در برقراری روابط با طبقات مختلف مردم منطقه ماموریت بخصوص اندیشمندان علوم گوناگون دچار بحران ارتباطی می شود و چه بسا نتواند رسالت فرهنگی و دینی خود را به نحو مطلوب برآورده سازد .  در پایان ضمن تشکر مجدد خواهشمند است در صورتی که خاطره بیاد ماندنی از سفرهای تبلیغی خود دارید بیان فرمائید .  خب، خاطراتی فراوان از دوران سفرهای تبلیغی خود در خارج از کشور بیاد دارم اما به اقتضای وقت به یک مورد اشاره می کنم .  در یکی از سفرهای تبلیغی که پس از 65 روز در شهر عشق آباد بودم، قرار بر این شد که برای تبلیغ به شهر «مرو» عزیمت نمایم . از سفارت جمهوری اسلامی در آنجا پرسیدم «مرو» کجاست؟ آنها در جواب گفتند: در شهر «بایرم علی » که «مرو» قدیم آنجا بوده، (الآن «مرو» جدید با آنجا فاصله دارد) به من گفته شد به «مرو» برو و در آنجا فردی بنام عباسعلی را که ریش سفید شیعه های آن منطقه است، پیدا کن . در حالی که من به شهری به بزرگی شهر قم می رفتم و درصدد بودم تا یک نفر را که هیچگونه نشانی از او نداشتم و تا آن موقع نیز او را حتی برای یکبار هم ندیده بودم، پیدا کنم . راس ساعت 3 بامداد هنگام اذان صبح از قطار پیاده شدم . در این هنگام همه جا پر از برف و یخ و هوا نیز بشدت سرد بود و من با کیف سنگینی که در آن تعدادی قرآن و تسبیح جای داده بودم، به دنبال جایی برای استراحت و خواندن نماز بودم; (البته این را هم بگویم که یک چوب نیز در دست داشتم که سگ های ولگرد را از خود دور کنم) . با توجه به اینکه زبان آنجا روسی بود و من علاوه بر زبان مادری خود تنها زبان انگلیسی را می دانستم، چون تابلوهای اماکن عمومی و خصوصی به زبان روسی نوشته شده بود، من قادر به درک مفاهیم تابلوها نبودم .  در این هنگام نمای بیرونی یکی از ساختمانها، توجه ام را جلب کرد، حدس زدم که این باید هتل باشد، با توکل به ذات اقدس الهی، درب آن مکان را زدم، در حالی که در را می زدم با خود چنین می اندیشیدم، در یک حالتی فرضی پس از این اقدام یا موفق به اسکان در آن مکان می شوم و یا آنکه در نهایت مرا ضرب و شتم می کنند . در هر حال پس از آنکه در را زدم، خانمی در جلو چشمم ظاهر شد، به محض دیدن ظاهر و قیافه در هم ریخته من و کاپشن ایرانی که بر تن داشتم، بدون آنکه کلامی بگوید، با اشاره دست و سر به من فهماند که دور شو، من با سماجت مجددا در را زدم، این بار مرد جوان ترکمنی در را باز کرد، همانگونه که در عرایضم گفتم، زبان مشترک مهم ترین عامل ارتباط می باشد، ولی متاسفانه هیچکدام از ما زبان همدیگر را نمی دانستیم . در عمل نمی توانستیم با هم ارتباط برقرار کنیم، بهر تقدیر با زبان اشاره به او فهماندم که اتاقی را برای استراحت نیاز دارم، اما او هم جواب رد داد، به هر زحمتی بود از او خواستم اجازه دهد نمازم را بخوانم، قبول کرد و با اشاره به من فهماند که همانجا پشت در ورودی روی تکه موکتی نمازم را بجا آورم . با دلی شکسته نمازم را اقامه کردم، شاید این نماز بهترین نمازی بود که با تمام وجود و با حضور قلب و خشوع در تمام عمرم بجا آورده بودم و از خداوند متعال درخواست کردم که مشکل مرا حل کند .  پس از نماز از هتل خارج شدم در حالی که از شدت سرما بخود می لرزیدم، به خدای بزرگ متوسل شدم، ناگاه از پشت سر صدایی شنیدم، برگشتم، دیدم همان مرد ترکمن است، اشاره کرد که برگرد، من برگشتم، متوجه شدم که اتاقی را برای من آماده کرده، با راهنمایی او به طبقه سوم ساختمان رفتم، اتاق فوق العاده مجهزی بود . حدس زدم باید متعلق به یکی از مقامات ارشد حکومتی باشد، پس از این واقعه، رو به درگاه الهی کرده و سپاسگزاری نمودم . با خود می گفتم حتما حداقل صد دلار برای هزینه این اطاق مجلل از من درخواست خواهد کرد; ساعت 10 صبح برخاستم و برای تصفیه حساب از اتاق خارج و نزد مرد ترکمن مسئول هتل رفتم، وقتی از او میزان هزینه پرداختی را سؤال کردم، با تعجب دیدم پاسخ داد، «هزینه ای نمی گیریم » ، فقط برای من دعا کن، من فرد بدبختی هستم; زیرا نماز نمی خوانم، و کسی به من نماز خواندن را یاد نداده است .  پس از آنکه به او دعا کردم (در فرهنگ آنها وقتی از کسی می خواهند که به آنها دعا کند، باید در همان زمان و مکان به آنها دعا کرد) ، او به من گفت، آیا فهمیدی در کجا استراحت کرده ای؟ جواب دادم: خیر . گفت: این اتاق متعلق به «سفر مرادنیازف » رئیس جمهور کشورمان است; و مهمانان ایشان در اینجا استراحت می کنند . اما من بعد از نماز خواندن شما به شدت تحت تاثیر قرار گرفتم و دلم شکست و متحول شدم و تصمیم گرفتم که این اتاق را که خالی مانده بود برای استراحت شما در نظر بگیرم . در هر حال از او تشکر کردم و از هتل خارج شدم; و در حالی که دنبال عباسعلی که ریش سفید شیعه ها بود می گشتم، و هیچ گونه نشانی و یا تصویری از او نداشتم، به اولین فردی که رسیدم، سؤال کردم عباسعلی را می شناسی؟ با تعجب پاسخ داد: «عباسعلی من هستم .» این در حالی بود که من در ذهن خود تجزیه و تحلیل می کردم از قیافه ها باید تشخیص دهم که این فرد، ارمنی، یهودی یا مسلمان است . ولی همه قیافه ها یکنواخت بود . این خاطره برای من شیرین ترین خاطره دوران تبلیغ من محسوب می شود; زیرا پس از شناسایی عباسعلی و برقراری رابطه با او جرقه آغاز تبلیغات دینی زده شد و راه برای ادامه کار هموار شد، و مناطق شیعه نشین، تعداد شیعیان، تعداد مساجد، ایران دوستان و اسلام خواهان را شناسایی کردم و این شناخت برای بنده و سایر مبلغان در سفرهای تبلیغی آتی بسیار مؤثر افتاد . دلیل واضح این امر هم مقایسه تطبیقی وضعیت اعتقادی و عملی ساکنان آن منطقه در آن هنگام و در حال حاضر می باشد . |